

ایمان توأم با عمل

نه ایمان بدون عمل ایمان است و نه عمل خالی از ایمان پاك و خالص و پربار!

بوده است . اکنون نظری به سنت ویژه پیشوایان معصوم (ع) می افکنیم ، بینیم نظر آنان در این مورد چیست؟ که نظرشان، همان اسلام و وجودشان ، همان قرآن مجسم است .

ایمان و عمل از نظر پیشوایان (ع) امام علی (ع) میفرماید : **الایمان و العمل اخوان توأمان و رفیقان لا یفترقان** (۱) ایمان و عمل، دوبرادر توأم و دوروفیق جداناشدنی هستند .

یکی از یاران امام صادق (ع) جمیل بن دراج میگوید: از امام (ع) پرسیدم: ایمان چیست؟ آن حضرت پاسخ دادند: گواهی دادن

در مباحث پیش، روشن شد که: برخلاف تصور برخی از افراد ، ایمان و عمل ، لازم و ملزوم یکدیگرند و هر کدام از آنها دلیل وجود دیگری است، و ایمان بدون عمل ، ایمان نیست و عمل منهای ایمان، ریا، تصنع و تظاهر است .

خوانندگان گرامی به خاطر دارند که : در بررسی آیات قرآن ، این حقیقت مسلم گشت که : هر جادر قرآن مجید سخن از ایمان به پیش آمده طبعاً با عمل صالح همراه بوده و هر جا . موضوع عمل مورد توجه قرار گرفته بی تردید، مراد عمل منشأ از عقیده و ایمان

۱- غرر الحکم ص ۷۱ .

به: لا اله الا الله و محمد رسول الله (ص)،
گفتم در اینجا عملی نیز خواهد بود؟ فرمود:
لا یتبیت له الا ایمان الا بالعمل والعمل
منه (۲) ایمان نابت نمیشود مگر با عمل و
عمل از خود ایمان است .

عمل مساوی است با ایمان

در بسیاری از روایاتی که از پیشوایان
معصوم (ع) رسیده است، از عقیده و ایمان،
با کلمه عمل تعبیر شده و در واقع، عقیده و
عمل را مساوی یابکی دانسته اند
از امام صادق (ع) پرسیدند: کدامین عملها
از همه بهتر و با فضیلت تر است ؟ در پاسخ
فرمود: آن چیزی که هیچ عملی بدون آن در
پیشگاه الهی پذیرفته نیست، پرسیدند: آن
کدام است؟ فرمود: عملی است که از جهت
درجه، مرتبه، ارزش معنوی و نتیجه و
فائده از همه اعمال، ارجح و برتر است و آن
عبارت از ایمان به «الله» می باشد، آنگاه
پرسیدند: آیا ایمان، همان قول، گفتار،
شهادت و گواهی به توحید و اعتقاد به «الله»
است یا علاوه بر آن، عملی هم لازم است ؟
فرمود: **الایمان عمل کله والقول بعض**
ذلك: همه ایمان، عمل است و گفتار و سخن،
جزئی از اجزاء ایمان می باشد.

و در مورد دیگر فرمود: **الایمان ان**
یطاع الله ولا یعصاه، (۳) «ایسان آن

۲- کافی ج ۲ ص ۳۸ روایت ۶ .

۳- مدرک قبل روایت ۷ .

(۴) و (۵) صفحات ۵۰- ۲۷

است که خدا اطاعت شود و نافرمانی و
عصیانی انجام نگیرد، در اینجا اطاعت و
فرمانبرداری، که همان عمل است و ترک
گناه و عصیان، که باز همان عمل می باشد،
ایمان معرفی شده است .

ایمان همان عمل است :

امیر مؤمنان علی (ع) ایمان را همان عمل
معرفی کرده می فرماید: **ان الله عز وجل**
جعل الایمان علی اربعة دعائم علی-
الصبر والیقین والعدل و الجهاد ،
(۴) خدای متعال برای ایمان، چهار استوانه
قرار داده است که عبارتند از :

- ۱- صبر و استقامت ، ۲- یقین و باور
- ۳- عدل و داد ۴- جهاد و کوشش، ملاحظه
می کنید که این صفات و اعمال، استوانه های
ایمان معرفی شده است . امام صادق (ع)
فرمودند: ایمان عبارت است از اقرار با زبان
و پیمان و اعتقاد قلبی، و عمل به ارکان ،
الایمان هو اقرار باللسان و عقد بالقلب
و عمل بالارکان
نبودن عمل دلیل نبودن ایمان

است :

اگر به پزشکی که سالها، تحصیل و
تحقیق کرده و در شناختن میکروبها و بیماریها،
تخصصی بدست آورده ، بگویند: این غذا
مسموم یا آلوده را بخور ، او پاسخ خواهد
داد که «چون به خطر وزیان آن ایمان دارم،
نخواهم خورد» در واقع این حرکت و عمل
او، نشانگر ایمان و باور او است و ای چنانچه
غذای مسموم و میکروب دار را بخورد حاکی

از آن است که خواننده‌ها و تحقیقات او
برایش ایمان و عقیده به وجود نیاورده و
هنوز باور نکرده است. اکثر تغلفات و معاصی،
بر اثر آنست که یا اصولاً ایمان به معنی یقین،
باور و اعتقاد و شناخت صحیح نداریم یا
حداقل در این عقیده و ایمان متزلزل هستیم،
و عمل خلاف اسلام، از عدم معرفت با اسلام
و نبودن ایمان واقعی حکایت میکند، و مؤید
این مطلب روایات بسیاری است که از
معصومین (ع) رسیده و در کتب حدیث عموماً
درج شده است.

رسول اکرم (ص) فرمود: کسی که
دزدی یا زنا می کند، او مؤمن نیست و
چنانچه مسلمان باشد، در حالی این خلاف
را انجام میدهد، که ایمان ندارد و ایمان،
همچون پیراهنی از اندام او بیرون شده (۱)
و آن حضرت سایر اعمال خلاف انسانیت و
اسلام را دلیل بر این دانسته اند که عامل
آنها، از ایمان برخوردار نیست و خدای
متعال هرگز بآنها مؤمن نگفته است. و
همچنین عمل کردن به اوامر الهی و انجام
دادن وظایف، دلیل بودن ایمان و اعتقاد
است.

امام صادق (ع) فرمودند: من اقر
بدين الله فهو مسلم ومن عمل بما امر
الله عز وجل فهو مؤمن (۲) کسی که به

دین الهی اقرار و اعتراف نماید، مسلمان
است ولی مؤمن کسی است که بآنچه خدای
متعال امر کرده، عمل نماید، در اینجا عمل
کردن نشانه مؤمن شمرده شده است. که:
لا یثبت الايمان الا بالعمل، ایمان جز
باعمل ثابت نمیشود.

شیعه کیست ؟

جابر میگوید: به محضر امام صادق (ع)
شرفیاب شده بودم که به من خطاب کرده
فرمود: جابر! افرادی که ادعای دوستی ما
را دارند و میگویند شیعه اهل بیت هستیم،
آیا خیال می کنند که همین اندازه کافی است؟
به خدا سوگند شیعه ما نیست مگر کسی که
تقوا داشته باشد و خدای متعال را اطاعت
کند «عمل نماید» و به صفات انسانی، تواضع و
فروتنی، امانت داری، همیشه به یاد خدا
بودن، توجه به روزه و نماز، نیکی به پدر و
مادر، متعهد بودن در مقابل فقرا و نیازمندان
و همسایگان و ورشکستگان و یتیمها،
راستگویی، تلاوت قرآن، زبان راهمیشه
به خیر و نیکی باز کردن، و در میان قبیله و
عشیره، امین بودن، معروف و شناخته شود.
عرض کردم؟ امروز من کسی را با این
صفات ندیده ام آنگاه فرمود: جابر! این
ادعاها را که می گویند «من علی (ع) را

(۱) لایزنی الزانی حین یزنی وهو مؤمن ولا یسرق السارق حین یسرق وهو مؤمن

فانه اذا فعل ذلك خلع عند الايمان كخلع القميص .. کافی ج ۲ ص ۳۲

(۲) مدرک قبل ص ۳۸

دوست دارم، ولی به اینها که گفتم، عمل نمیکنند، باور نکن اگر بگویند: رسول خدا را هم دوست داریم که رسول اکرم (ص) بالاتر از علی (ع) است ولی پیرو روش و سیره آن حضرت نباشد و به سنت او عمل نکنند، این دوستی ادعائی، هیچ نفی بر ایشان نخواهد داشت، پس تقوا داشته باشید و بآنچه که از ناحیه خدا ابلاغ شده عمل نمائید که در میان خدا واحدی قرابت و خویشاوندی نیست، محبوبترین و گرامیترین مردم در پیشگاه الهی، کسی است که از همه بیشتر تقوی داشته باشد و بیشتر عمل کند و خدا را اطاعت نماید. (۱)

علی (ع) در حال صحبت و سخنرانی بودند و مردم را موعظه میکردند که مردی برخاست و گفت: «یا علی انا احبک!»

یا علی من شمارا دوست میدارم و به این وسیله اظهار ارادت و محبت کرد. ولی با کمال تعجب در پاسخ، از امام شنید که فرمود:

وامانا ايفضك امامن بر تو خشناکم و از تو بدم میآید، همگی در بهت فرو رفتند که در مقابل محبت، خشم و بی مهری؟! آنگاه امام (ع) افزودند: آنکس دوست ما است که به قرآن و سنت و سیره رسول اکرم (ص) عمل نماید تنها با گفتن و ادعا کردن، محبت ثابت نمیشود.

«دو صد گفته چون نیم کردار

نیمت

یکی از زیباترین عاداتی که در میان ما رایج گشته و متأسفانه بی از انقلاب اسلامی هم از میان نرفته و در برخی از موارد اضافه هم شده است، بی توجهی به اصل سازنده ایمان و عمل می باشد که غالباً ایمان خود یا انقلابی بودن را، با حرف و ادعا ابراز می کنیم و رکن اساسی ایمان، «عمل» را کنار می گذاریم در صورتی که این، روش هم از نظر مکتب اسلام محکوم و مخالف با دین است و هم به پیشبرد اهداف انقلاب و سازندگی جامعه و کشور، لطمه جبران ناپذیری خواهد زد بهترین نیست که به جای عیجونی و تخریب، به عمل توجه کنیم و هر کدام از ما وظیفه انسانی، اسلامی و سازندگی را تشخیص داده به انجام آن آن بپردازیم؟ که: به مضمون شعر معروف سعدی:

«سعدیا گرچه سخن دان مصالح گوئی
به عمل کار برآید به سخن دانی نیست»

پیشرفت علمی، اقتصادی و کشاورزی و عمران و آبادی... مرهون کار و کوشش و عمل است که هیچکدام اینها با حرف و ادعای دست نمی آید که:

نام فروردین نیارد گل به باغ
شب نگردد روشن از نام چراغ

